

بررسی درک و بیان اسامی در کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله

یونس امیری شوکی^{۱*} (M.Sc)، محمدصادق جنابی^۱ (M.Sc)، محمدرضا کیهانی^۲ (M.Sc)، لیلا قلیچی^۱ (M.Sc)، فاطمه کسبی^۳ (M.Sc)

۱- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، دانشکده علوم توانبخشی، گروه گفتاردرمانی

۲- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، دانشکده علوم توانبخشی، گروه علوم انسانی

۳- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سمنان، دانشکده توانبخشی

چکیده

سابقه و هدف: ارزیابی توانایی درک و بیان اسامی، بخشی از ارزیابی بالینی زبان است که به‌طور روزمره در کلینیک‌های گفتار درمانی انجام می‌شود. هدف ما از این پژوهش، دسترسی به شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به توانایی درک و بیان اسامی در گروهی از کودکان طبیعی سمنانی و مقایسه میانگین امتیازات گروه‌های سنی مختلف و نیز دو جنس با یکدیگر است.

مواد و روش‌ها: روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است که به صورت مقطعی انجام شده است. در این پژوهش، ۱۵۰ نفر از کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله مهدکودک‌ها، کودکان‌ها و دبستان‌های شهر سمنان به‌طور تصادفی انتخاب شدند. برای ارزیابی درک و بیان اسامی در این پژوهش از "آزمون تصویری اسامی" استفاده شد. پس از به دست آمدن نتایج آزمون در مورد هر فرد و استخراج داده‌های کل افراد، داده‌های پژوهش به کمک آمار توصیفی، آزمون تی، آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون ضریب همبستگی، با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین امتیازات هر سه مورد (امتیازات درک، بیان و کل) با افزایش سن افزایش می‌یابد ($P = 0/000$)؛ در هر سه مورد، امتیازات دختران در مقایسه با امتیازات پسران کم‌تر است (در هر سه مورد $P = 0/005$)؛ و با افزایش توانایی کودکان در درک اسامی، توانایی آن‌ها در بیان اسامی نیز بیش‌تر می‌شود ($P = 0/000$) و ($r = 0/821$).

نتیجه‌گیری: نتایج این آزمون می‌تواند بخشی از اطلاعات آماری لازم برای تصمیم‌گیری‌های بالینی درباره افراد مشکوک به اختلالات زبانی باشد. دختران در مقایسه با پسران در درک و بیان اسامی از توانایی کم‌تری برخوردارند؛ شاید یکی از دلایل برتری پسران به دختران در درک و بیان اسامی در جامعه مورد مطالعه، شرایط فرهنگی و محیطی پیرامون آن‌ها باشد، که برای پسران امکان ارتباطات گسترده‌تری را با محیط اطراف در مقایسه با دختران فراهم ساخته است.

واژه‌های کلیدی: درک، بیان، اسامی، کودکان

مقدمه

گرفته است. از هنگامی که انسان اندیشیدن را فرا گرفت، درصد انتقال اندیشه خود به دیگران برآمد. برای این منظور واسطه‌ای فراهم نمود تا بتواند دیده‌ها، شنیده‌ها، احساسات و

زبان یکی از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین اختراعات بشری است. ایجاد و تکامل آن در طول تاریخ حیات بشر صورت

* نویسنده مسئول. تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۵۵۵۵۶، نامبر: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۴۶، E-mail: amiriyoony@yahoo.com

یافته‌های خود را به دیگران منتقل کند. در فرایند کوشش‌های بی‌شمار و در طی نسل‌های مختلف واژه‌ها که نخست اسامی بوده‌اند (به احتمال زیاد) خلق شدند. اسامی چه از نظر تکامل زبان در جامعه بشری در طول تاریخ، چه از نظر تکامل زبان در افراد مختلف در زمره نخستین واحدهای معناداری است که نقش ارتباطی ایفا می‌کنند.

زبان جنبه‌های مختلفی دارد که عبارتند از: (۱) صرف، (۲) نحو، (۳) جنبه آوایی، (۴) جنبه معنایی و (۵) جنبه کاربردی. معنی‌شناسی در زبان، مبحثی است که از گذشته‌های بسیار دور مطرح بوده است و حتی قسمت مهمی از نوشته‌های افلاطون و ارسطو را نیز به خود اختصاص داده است [۳]. جنبه معنایی زبان را می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم کرد:

الف) در معنی‌شناسی واژگانی، به تجزیه و تحلیل واژگان (خزانه لغوی) و روابط بین کلمات پرداخته می‌شود.

ب) در معنی‌شناسی غیرواژگانی، معنی به‌طور واضح‌تری در کلمه قرار داده شده است و اکثر تحقیقات نیز در همین سطح انجام شده‌اند. با این‌همه، نمی‌توان معنی را تنها محدود به کلمات دانست، بلکه می‌توان گفت که تمامی سطوح سازمان‌بندی زبانی، به گونه‌ای با معنی یک‌گفته سر و کار دارند. در این قسمت، به سه نوع معنای غیرواژگانی اشاره می‌کنیم: (۱) معنی آواشناختی، (۲) معنی آوایی، (۳) معنی دستوری [۵]. بسیاری از محققین آزمون‌هایی را در زمینه ارزیابی زبان ارائه کرده‌اند که تمامی آن‌ها یا بخشی از آن‌ها در ارتباط با ارزیابی درک و یا بیان اسامی بوده است. بسیاری از محققین دیگر نیز با استفاده از چنین آزمون‌هایی، به بررسی‌های تحقیقی درباره درک و بیان اسامی در کودکان پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ویلیام ولسکی و لوویس لریا در سال ۱۹۶۲، آزمونی به نام MPLI، لوپیدام. دان در سال ۱۹۶۵، آزمونی به نام PPVT، رابرت ب. آمونز و هلن اس. آمونز در سال ۱۹۴۸، آزمونی به نام FRPV، آلن اس. تورنتو در سال ۱۹۷۷، آزمونی به نام TTRV، سی.ای. رنفرو در سال ۱۹۸۸،

سومین تجدید نظر خود را از آزمونی به نام آزمون لغت‌یابی در خزانه لغوی و ل.م. دان، ل.م. دان، س. وتون و د. پیتیلی در سال ۱۹۸۲، آزمونی به نام BPVS را ارائه کردند؛ هم‌چنین بسیاری از محققین خارجی دیگر مانند د.ج. جرمن (۱۹۸۶)، ام. شریدان (۱۹۷۶)، ج.ک. رینل (۱۹۸۵)، ان.و. بنکسون (۱۹۹۰) و لیندا آرمسترانگ (۱۹۹۶) نیز آزمون‌هایی را برای ارزیابی زبان ارائه کرده‌اند، که تمام یا بخشی از آن‌ها در ارتباط با ارزیابی درک و/یا بیان اسامی بوده است [۱۱،۱۰].

نلسون (۱۹۷۳) ضمن یک بررسی تحقیقی نشان داد، در ۵۰ واژه‌ای که کودکان در اولین مرحله از رشد و تکامل گفتار و زبان می‌آموزند، به ندرت اسامی چیزهایی به چشم می‌خورد که متحرک نیستند و در یک مکان ثابت هستند. این کلمات بیش‌تر شامل اسامی افراد مهم، حیوانات، وسایل نقلیه، اعضای بدن، غذاها، پوشاک و اسباب‌بازی‌ها است [۲].

بسیاری از محققین به این نتیجه رسیده‌اند که شروع گفتار در دخترها نسبت به پسرها زودتر بوده و روند تحول آن دارای سرعت بیش‌تری است [۳].

مک گرگور و واکسن (۱۹۹۸) ضمن بررسی نام بردن اشیاء، در سطوح سلسله مراتبی چندگانه در دو گروه از کودکان پیش‌دبستانی طبیعی و مبتلا به اختلال در لغت‌یابی دریافتند که به نظر می‌رسد تقایص کودکان پیش‌دبستانی در لغت‌یابی، بیش‌تر نشان‌دهنده عدم وجود عمق و گستردگی کافی در مهارت ذخیره کلمات است تا نشان‌دهنده تقایص آن‌ها در سازماندهی سلسله مراتبی معنی [۱۲].

لاندائو، اسمیت و جونز (۱۹۹۸) ضمن یک مطالعه تحقیقی دریافتند که کودکان خردسال اسامی اشیاء جدید و آشنا را بر اساس شکل آن‌ها تعمیم می‌دهند، ولی در سنین بالاتر و بزرگسالی اطلاعات مربوط به عمل‌کرد شیء نیز در تعمیم، نقش اساسی دارند [۱۱].

زلمن و همکارانش (۱۹۹۸) ضمن بررسی گسترش بیش از حد معنی، درباره دو مورد از اسامی (واژه‌های Apple و Dog) دریافتند که: (۱) در قسمت بیان، خطاها بیش‌تر به

پرداختند. در این بررسی کودکان دارای خزانه واژگان تولیدی زیر ۲۰ درصد (گویندگان دچار تأخیر)، کودکان ۲ ساله دارای خزانه واژگانی بیش تر و کودکان کم تر از ۲ سال که از لحاظ خزانه واژگانی با گویندگان دچار تأخیر مطابقت داشتند، با یکدیگر مقایسه شدند. محرک‌ها شامل اشیاء واقعی و شکل انتزاعی آن‌ها به صورت کاریکاتورهای سیاه و سفید بودند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که هر سه گروه، اشیاء واقعی را به خوبی تشخیص دادند ولی دو گروه کنترل در بازشناسی اشکال انتزاعی اشیاء نسبت به گویندگان دچار تأخیر دارای توانایی بیش تری بودند. همچنین، گروه‌های کنترل، اسامی بیش تری را تشخیص دادند. یافته‌های این بررسی حاکی از این مطلب است که رابطه‌ای بین رشد واژگان تولیدی و ظهور توانایی بیان طبقات اشیاء از طریق شکل انتزاعی آن‌ها وجود دارد [۹].

حسینی و مسعودی بیدگلی (۱۳۷۷)، به بررسی درک و بیان اسامی در کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله در منطقه سه شهر تهران پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها از این قرار است: در هر سه مورد (امتیازات درک، بیان و کل) با افزایش سن، بر میانگین امتیازات نیز افزوده می‌شود. در هر سه مورد، امتیازات پسران در مقایسه با دختران بیش تر است؛ با افزایش توانایی کودکان در درک اسامی، توانایی آن‌ها در بیان اسامی نیز بیش تر می‌شود [۲].

نامنی (۱۳۷۹)، به بررسی درک و بیان اسامی در کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله در شهر سبزوار پرداخت. نتایج تحقیق وی از این قرار است: در هر سه مورد (امتیازات درک، بیان و کل) با افزایش سن، بر میانگین امتیازات نیز افزوده می‌شود. در هر سه مورد، امتیازات پسران در مقایسه با دختران بیش تر است؛ با افزایش توانایی کودکان در درک اسامی، توانایی آن‌ها در بیان اسامی نیز بیش تر می‌شود [۳].

جلیلوند (۱۳۷۴) به بررسی مقایسه‌ای درک و بیان مفاهیم زبانی در کودکان ۳ تا ۶ ساله فارسی زبان مهدکودک‌های مناطق ۱ و ۳ تهران پرداخت. لازم به ذکر است که بیش تر مفاهیم مورد نظر در تحقیق وی، مفاهیمی غیر از اسامی

واسطه انتخاب مواردی بود که هم از نظر شکل و هم از نظر رابطه مقوله‌ای، با واژه هدف جور شده بودند. در قسمت درک، بیش تر خطاها یا به واسطه شباهت شکل بود یا به واسطه رابطه مقوله‌ای؛ ماهیت و بسامد وقوع گسترش بیش از حد معنی با دانش قبلی کودک در ارتباط بود. (۲) هم در قسمت درک و هم در قسمت بیان، الگوهای خطا بر اساس کلمه مورد آزمون به میزان محسوسی تغییر می‌کرد. (۳) میزان خطا در قسمت بیان بیش تر از میزان خطا در قسمت درک بود [۷].

سایکویچ و ای.ام. و همکارانش (۱۹۹۷) به بررسی نامیدن تصاویر در کودکان خردسال پرداختند. این بررسی با استفاده از ۴۰۰ تصویر نقاشی شده در کودکان ۵ و ۶ ساله انجام شده است. آن‌ها در این بررسی به معیارهای هنجاری برای هماهنگی اسمی، میزان آشنایی تصویر و پیچیدگی بینایی دست یافتند. هم چنین داده‌های هنجار حاصل از این تحقیق حاکی از این مطلب هستند که کودکان خردسال در نامیدن تصاویر با بزرگسالان تفاوت دارند و ناتوانی در نامیدن سریع در کودکان خردسال در مقایسه با بزرگسالان بیش تر است [۶]. بوئو.ا.اف. میراندا.ام.سی. و پمپیا.اس. (۲۰۰۴) تحقیقی مشابه را در کودکان ۵ تا ۷ ساله و دانشجویان برزیلی که به زبان پرتغالی صحبت می‌کردند انجام دادند. نتایج این بررسی نیز با نتایج بررسی‌های قبلی هم سو بود [۱۳].

خاویز ف. آلاریو و لودوویچ فراند (۲۰۰۴) نیز، ۴۰۰ تصویر تهیه شده توسط سیکو ویز و همکارانش را برای زبان فرانسوی هنجاریابی نمود. این تصاویر بر اساس هماهنگی اسمی، هماهنگی تصویر ذهنی، شناخت، پیچیدگی بینایی، تعبیرپذیری تصویر ذهنی و سن فراگیری اسامی، هنجاریابی شدند [۴].

هورن پی. جی. و همکارانش (۲۰۰۴) به بررسی نامیدن و طبقه‌بندی در کودکان خردسال ۱ تا ۴ ساله پرداختند. بررسی آن‌ها نشان داد که ممکن است نامیدن برای طبقه‌بندی هر محرکی ضروری باشد [۸].

جونز س. س. و اسمیت ل. ب. (۲۰۰۵) به بررسی رابطه یادگیری نام شیء و درک شیء از طریق شکل انتزاعی آن

مطالعه شد. در تجزیه و تحلیل آماری این پژوهش از آمار توصیفی، آزمون تی، آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون ضریب همبستگی استفاده شده است.

ابزار کار. آزمون تصویری اسامی، آزمونی است که توانایی فرد مورد آزمون را در بیان و درک اسامی ۱۹۵ تصویر سیاه و سفید، برحسب امتیاز، اندازه می‌گیرد. نحوه اجرای آزمون بدین گونه است که تصاویر را به صورت تکی در مقابل کودک قرار می‌دادیم و از او می‌خواستیم تا آن تصویر را نام ببرد. اگر آن را نام می‌برد، هم امتیاز درک (۱ امتیاز) و هم امتیاز بیان (۱ امتیاز) را کسب می‌کرد و در برگه ثبت نتایج آزمون، ثبت می‌شد. در صورتی که کودک تصویر مورد نظر را با اسم دیگری که به اسم مورد نظر نزدیک بود، نام می‌برد؛ (مثلاً به کارد می‌گفت چاقو یا به مداد می‌گفت خودکار)، ۰/۵ امتیاز از ۱ امتیاز بیان را کسب می‌کرد و در غیر این صورت، از ۱ امتیاز بیان، امتیازی را به دست نمی‌آورد. به این ترتیب، حداکثر امتیاز بیان ۱۹۵، حداکثر امتیاز درک نیز ۱۹۵ و حداکثر امتیاز کل ۳۹۰ بود. اگر کودک ۲ امتیاز هر تصویر را به طور کامل به دست می‌آورد، آن تصویر کنار گذارده می‌شد. پس از این که تمامی تصاویر ارائه می‌شد، تصاویری را که کودک امتیاز درک آن‌ها را به دست نیاورده بود، به صورت گروه‌های شش تایی در جلوی کودک قرار می‌دادیم، سپس آن‌ها را یکی یکی و به طور نامنظم نام می‌بردیم و از کودک می‌خواستیم تا آن تصویر را به ما نشان دهد. اگر کودک تصویر مورد نظر را به درستی نشان می‌داد، ۱ امتیاز درک مربوط به آن تصویر را کسب می‌کرد، در غیر این صورت، امتیازی کسب نمی‌کرد. در پایان، جمع امتیازات بیان، درک و کل (مجموع درک و بیان) به طور جداگانه محاسبه و ثبت می‌شد.

نتایج

میانگین امتیازات درک و بیان اسامی و کل، برحسب سن، به تفکیک در دو جنس و مجموع آن‌ها در جدول ۱ آمده است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان داده است که بین

بوده‌اند. برخی از نتایج تحقیق وی از این قرارند: با افزایش سن، میزان توانایی‌های درک و بیان کودکان نیز افزایش پیدا می‌کند. جنسیت در توانایی درک مفاهیم تأثیری ندارد و نیز کودکان در کلیه گروه‌های سنی در درک مفاهیم، تفاوت نشان می‌دهند. توانایی بیان صفات ابعادی عالی، در همه گروه‌های سنی، مشکل است، به طوری که حتی کودکان ۶ ساله، علی‌رغم درک این مفاهیم، در بیان آن‌ها بسیار ضعیف هستند [۱]. هدف ما از پژوهش حاضر، دسترسی به شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به توانایی درک و بیان اسامی در گروهی از کودکان طبیعی سمنانی و مقایسه میانگین امتیازات گروه‌های سنی مختلف و نیز دو جنس با یکدیگر است.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع بررسی‌های توصیفی-تحلیلی است که به صورت مقطعی انجام شده است. نمونه مورد بررسی را ۱۵۰ کودک طبیعی ۴ تا ۸ ساله مهدکودک‌ها، کودکان‌های و مدارس شهر سمنان تشکیل داده‌اند. نمونه مورد بررسی از بین مراجعه‌کنندگانی که معیارهای مورد نظر پژوهش حاضر را دارا بوده‌اند، در پنج گروه به صورت تصادفی و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. پنج گروه مورد مطالعه عبارت بودند از گروه‌های سنی ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ ساله، که در هر مقطع سنی ۳۰ نفر در نظر گرفته شدند، که نیمی پسر و نیمی دختر بودند. معیارهای اصلی انتخاب افراد مورد مطالعه قرار داشتن در محدوده سنی مورد نظر و طبیعی بودن وضعیت یادگیری، ذهنی، شنوایی و بینایی بود که نمی‌باید هیچ‌کدام از آزمودنی‌ها از نظر هوش، بینایی و شنیداری دارای مشکل باشند. این اطلاعات با استفاده از پرونده پزشکی و تحصیلی آزمودنی‌ها و نیز تکمیل پرسش‌نامه توسط والدین و اولیای مدرسه یا مهدکودک مورد بررسی قرار گرفت. میانگین‌های یاد شده در بالا، به تفکیک در دختران و پسران نیز محاسبه شدند. در این پژوهش، رابطه بین امتیازات آزمون و متغیرهای سن و جنس مورد بررسی قرار گرفت. بعلاوه، رابطه بین میانگین امتیازات درک و میانگین امتیازات بیان نیز

حداقل حدود اطمینان (۹۵ درصد) میانگین امتیازات درک و بیان اسامی و کل، برحسب سن در جدول ۲ آمده است. توجه به اطلاعات موجود در این جدول می‌تواند از نظر بالینی حائز اهمیت فراوانی باشد، زیرا می‌توان آن را ملاکی تقریبی برای حداقل توانایی افراد طبیعی در نظر گرفت.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که در گروه دختران، در مقایسه با گروه پسران، میانگین امتیازات درک، میانگین امتیازات بیان و میانگین امتیازات کل به‌طور معنی‌داری کم‌تر است (در هر سه مورد $P=0/05$). هم‌چنین، این تحقیق نشان داد که بین میانگین امتیازات درک و میانگین امتیازات بیان رابطه هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد ($P=0/000$) و $r=0/821$ ؛ یعنی با افزایش امتیاز درک می‌توان انتظار داشت که امتیاز بیان نیز افزایش یابد و بالعکس.

بحث و نتیجه‌گیری

میانگین‌های امتیازات درک، بیان و کل کودکان سمنانی (به‌دست آمده در این تحقیق) کم‌تر از میانگین‌های امتیازات کودکان منطقه ۳ تهران [۲] است (این تفاوت در تمامی سنین وجود دارد). در مقایسه امتیازات کودکان سمنانی و سبزواری [۳] مشخص می‌شود که امتیازات درک و کل کودکان ۴، ۵ و ۶ ساله سمنانی بیش‌تر است ولی در کودکان ۷ و ۸ ساله، وضعیت برعکس است. امتیازات بیان کودکان سمنانی در تمامی سنین کم‌تر از امتیازات کودکان سبزواری است. وجود رابطه بین متغیر سن و توانایی درک و بیان اسامی بدیهی به نظر می‌رسد، ولی اثبات این مسأله با استفاده از داده‌های آماری و بررسی کم و کیف آن حائز اهمیت فراوانی است. به عنوان مثال، تعیین میزان توانایی گروه‌های سنی مختلف مهم است. هم‌چنین ممکن است بین میانگین‌های امتیازات درک اسامی در دو گروه متوالی (کودکان ۵ و ۶ ساله) تفاوت اندکی وجود داشته باشد و این تفاوت معنی‌دار نباشد، اما تفاوت این میزان در بین گروه‌های سنی غیرمتوالی (۵ و ۷ سال) معنی‌دار باشد. مهم‌تر این که، اگر با استفاده از این آزمون ثابت شود که بین امتیازات آزمون در گروه‌های سنی مختلف تفاوت

میانگین امتیازات درک اسامی در هر یک از گروه‌های سنی مورد مطالعه و میانگین امتیازات درک اسامی در اکثر گروه‌های سنی دیگر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/0000$) و همین وضع در مورد میانگین امتیازات بیان ($P=0/0000$) و امتیازات کل ($P=0/0000$) نیز صادق است.

جدول ۱. میانگین امتیازات درک و بیان اسامی و کل، برحسب سن، به تفکیک در دو جنس و مجموع آن‌ها.

سن (سال)	جنس	دختر	پسر	کل
۴	درک	۱۷۰/۱۳	۱۷۷/۳۵	۱۷۲/۸۳
	بیان	۱۲۳/۲۰	۱۳۵/۵۰	۱۲۹/۳۵
	کل	۲۹۳/۳۳	۳۱۳/۰۳	۳۰۳/۱۸
۵	درک	۱۸۰/۲۷	۱۸۸/۹۳	۱۸۴/۶۰
	بیان	۱۳۹/۵۷	۱۵۳/۹۳	۱۴۶/۷۵
	کل	۳۱۹/۸۳	۳۴۲/۸۷	۳۳۱/۳۵
۶	درک	۱۸۵/۴۰	۱۸۹/۳۳	۱۸۷/۳۷
	بیان	۱۵۴/۰۰	۱۶۱/۳۰	۱۵۷/۶۵
	کل	۳۳۹/۴۰	۳۵۰/۶۳	۳۴۵/۰۲
۷	درک	۱۸۷/۵۳	۱۹۳/۹۳	۱۹۰/۷۳
	بیان	۱۶۱/۱۰	۱۷۷/۳۷	۱۶۹/۲۳
	کل	۳۴۸/۶۳	۳۷۱/۳۰	۳۵۹/۹۷
۸	درک	۱۹۱/۷۳	۱۹۲/۶۰	۱۹۱/۱۷
	بیان	۱۶۳/۷۰	۱۸۰/۶۰	۱۷۲/۱۵
	کل	۳۵۵/۴۳	۳۷۳/۲۰	۳۶۴/۳۲

جدول ۲. حداقل حدود اطمینان (۹۵ درصد) میانگین امتیازات درک و بیان اسامی و کل، برحسب سن.

سن (سال)	درک	بیان	کل
۴	۱۶۲/۸۲	۱۲۴/۲۳	۲۹۴/۶۳
۵	۱۸۰/۸۶	۱۳۹/۹۹	۳۲۱/۲۷
۶	۱۸۰/۳۰	۱۵۱/۷۲	۳۳۶/۴۱
۷	۱۸۸/۱۷	۱۶۳/۹۸	۳۵۲/۸۸
۸	۱۹۰/۸۷	۱۶۶/۵۰	۳۵۷/۴۰

($t=0/821$)، یعنی با افزایش امتیاز درک، می‌توان انتظار داشت که امتیاز بیان نیز افزایش یابد و بالعکس؛ که با نتایج تحقیقات مشابه انجام شده در تهران و سبزوار مطابقت دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که یافته‌های این تحقیق در کنار تحقیقات مشابه دیگر، ملاکی نسبی را جهت قضاوت درباره توانایی درک و بیان اسامی با استفاده از آزمون تصویری اسامی فراهم ساخته است. بعلاوه، یافته‌های این تحقیق نشان داد که سن و جنس، دو عامل مهم در توانایی درک و بیان اسامی هستند. نتایج این تحقیق، با نتایج دو تحقیق مشابه دیگر که در شهرهای سبزوار و تهران انجام شده‌اند متفاوت بود؛ لذا، در قضاوت‌های بالینی، علاوه بر سن و جنس باید به شهر یا منطقه جغرافیایی مربوطه نیز توجه کرد. در این راستا لازم است که تحقیقات مشابهی در چندین شهر انجام گیرد تا اطلاعات بیش‌تر و دقیق‌تری در مورد توانایی درک و بیان اسامی در کودکان فارسی زبان فراهم شود.

تشکر و قدردانی

از لطف و عنایت همکاران گرامی آقای علی قربانی، دکتر حسن عشایری، دکتر محمد کمالی، دکتر آزرندگان، مسئولین آموزش و پرورش، مدیران مدارس، مدیران مهدکودک‌ها و همکاران دپارتمان گفتاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی سمنان که در انجام این تحقیق نهایت همکاری و مساعدت را نموده صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنیم.

منابع

- [1] جلیل‌وند ناهید. بررسی و مقایسه درک و بیان مفاهیم زبانی در کودکان ۳-۶ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده توان‌بخشی، ۱۳۷۲-۷۴.
- [2] حسینی سیدکمال‌الدین، رضا مسعودی‌بیدگلی. بررسی درک و بیان اسامی در کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله منطقه ۳ شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی، تهران: دانشکده علوم توان‌بخشی، ۱۳۷۷.
- [3] نامی حسینیعلی. بررسی درک و بیان اسامی در کودکان طبیعی ۴ تا ۸ ساله سبزوار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم توان‌بخشی، ۱۳۷۹.
- [4] Alario FX, Ferrand L. A set of 400 pictures standardized for French: norms for name agreement, image agreement, familiarity, visual complexity, image variability, and age of

معنی‌داری وجود دارد، دلیلی است بر تأیید این آزمون و مفید بودن استفاده از آن.

نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان داده است که بین میانگین امتیازات درک اسامی در هر یک از گروه‌های سنی مورد مطالعه و میانگین امتیازات درک اسامی در اکثر گروه‌های سنی دیگر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/0000$) و همین وضع در مورد میانگین امتیازات بیان و امتیازات کل نیز صادق است ($P=0/0000$)، که با نتایج تحقیقات انجام شده در سبزوار و تهران مطابقت دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که در گروه دختران، در مقایسه با گروه پسران، میانگین امتیازات درک، میانگین امتیازات بیان و میانگین امتیازات کل به‌طور معنی‌داری کم‌تر است ($P=0/05$). این در حالی است که در تحقیقات مشابه انجام شده در سبزوار و منطقه ۳ شهر تهران، این نتیجه به‌دست آمد که در هر سه مورد (میانگین امتیازات درک، میانگین امتیازات بیان و میانگین امتیازات کل)، دختران در مقایسه با پسران از توانایی بیش‌تری برخوردار نیستند. لازم به ذکر است که تفاوت بین دو گروه جزئی بوده و تقریباً در نیمی از موارد (بدون وجود نظم خاصی) امتیازات دختران بیش‌تر بوده است و در نیمی دیگر نیز امتیازات پسران بیش‌تر بوده است. معمولاً چنین انتظار می‌رود که توانایی‌های گفتاری و زبانی دختران بیش‌تر از پسران باشد. با توجه به اطلاعات ذکر شده در بالا، این نکته قابل توجه است که چرا در شهر سمنان میانگین امتیازات دختران کم‌تر از میانگین امتیازات پسران است، در حالی که در تهران این تفاوت معنی‌دار نیست. این نکته قابل بررسی است که "آیا ممکن است شرایط محیطی کودکان سمنانی به نفع پسران باشد؟" و "آیا دختران و پسران تهرانی از شرایط محیطی تقریباً یکسانی برخوردارند؟". با توجه به شواهد و قرائن موجود، به نظر می‌رسد که پاسخ دو سؤال فوق، مثبت باشد، ولی برای پاسخ‌گویی به این موضوع، نیازمند انجام تحقیقات بیش‌تری در این زمینه هستیم. هم‌چنین، این تحقیق نشان داد که بین میانگین‌های امتیازات درک و بیان، رابطه هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد ($P=0/000$) و

acquisition. Behav Res Methods Instrum Comput, 1999; 31(3):531-52.

[5] Crystal D. *Clinical Linguistics*. 1st ed. London: Whurr Publishers Ltd, 1981.

[6] Cychowicz YM, Friedman D, Rothstein M, Snodgrass JG. Picture naming by young children: norms for name agreement, familiarity, and visual complexity. *J Exp Child Psychol*, 1997; 65(2):171-237.

[7] Gelman SA, Croft W, Fu P, Clausner T, Gottfried G. Why is a pomegranate an apple? The role of shape, taxonomic relatedness, and prior lexical knowledge in children's overextensions of apple and dog. *J Child Lang*, 1998; 25(2):267-91.

[8] Horne PJ, Lowe CF, Randle VR. Naming and categorization in young children: II. Listener behavior training. *J Exp Anal Behav*, 2004; 81(3):267-88.

[9] Jones SS, Smith LB. Object name learning and object perception: a deficit in late talkers. *J Child Lang*, 2005; 32(1):223-40.

[10] Kersner M. *Tests of Voice Speech and Language*. 1st ed. Whurr Publishers Ltd, 1992.

[11] Landau B, Smith L, Jones S. Object shape, object function, and object name. *J Memor Lang*, 1997; 36(1):1-27.

[12] McGregor KK, Waxman SR. Object naming at multiple hierarchical levels: a comparison of preschoolers with and without word-finding deficits. *J Child Lang*, 1998; 25(2):419-30.

[13] Pompeia S, Miranda MC, Bueno OF. A set of 400 pictures standardised for Portuguese: norms for name agreement, familiarity and visual complexity for children and adults. *Arq Neuropsiquiatr*, 2001; 59(2-B):330-7.

